

شکوفه‌های زخم

گزیده‌ی شاعران عرب

مترجم: مجید حسینی



انتشارات خارا

سرشناسه	: اسدی، مجید، ۱۳۶۱
عنوان و نام پدیدآور	: شکوفه‌های زخم: گزیده‌ی شاعران عرب /
مشخصات نشر	: مترجم و گردآورنده: مجید اسدی تهران: انتشارات خارا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۱ ص.
شابک	: ۹-۶-۹۹۶۰۵-۶۰۰-۹۷۸: ۲۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
شناسه افزوده	: اسدی، مرتضی، ۱۳۵۷
موضوع	: شعر عربی - قرن ۲۰ م - ترجمه شده به فارسی - مجموعه‌ها
رده - کنگ	: ۱۳۹۷ ش ۴۷ الف / PJ۲۶۲۵
رده - بندی - وی	: ۸۹۲/۷۱۶۰۸
شماره ثبت - سی	: ۵۳۵۷۲۸۱



انتشارات خارا

شکوفه‌های زخم

گزیده‌ی شاعران عرب

مترجم: مجید اسدی

ویراستار و دبیر مجموعه: میلاد - ست

اجرای جلد: علی محمدی

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۹۹۰۰۲۶۶۹۷۵ - ۰۲۱۴۴۲۲۳۱۷۹

Kharapub@yahoo.com

ISBN: 978-600-99605-6-9

شابک: ۹-۶-۹۹۶۰۵-۶۰۰-۹۷۸

تمامی حقوق این اثر محفوظ می‌باشد. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت کلی و جزئی و به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و نشر الکترونیکی) بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع می‌باشد.

فهرست

۹.....	یادداشت
۱۶.....	زحوی طوقان: ۲۰۰۳ - ۱۹۱۷
۱۸.....	وقتی به هر در به وقتاش گل نداد
۱۹.....	مرا به آن که شه در آغوش او باشم
۲۰.....	طاعون
۲۱.....	شهر غمزده می
۲۳.....	به رفیقی نا آشنا
۲۴.....	ترانه‌ی کوچک یأس
۲۵.....	صخره
۲۶.....	هیچ چیز نمی ماند
۲۸.....	بر سر دوراهی
۳۰.....	در سیلاب
۳۲.....	عبدالوهاب بیاتی: ۱۹۹۹ - ۱۹۲۶
۳۴.....	به خاطر عشق
۳۵.....	صخره‌ی مردگان
۳۷.....	واژه‌ها نمی میرند
۳۹.....	جاعلان
۴۱.....	شب و شهر و سل
۴۳.....	در کارزار
۴۵.....	پیرامون کتاب‌های تاریخ
۴۶.....	انتظار
۴۷.....	توفان
۴۸.....	دلالت عشق
۴۹.....	قاتلان

۵۲.....	توفیق امین زیاد ۱۹۹۴-۱۹۲۹.....
۵۴.....	پل بازگشت.....
۵۵.....	بیایید.....
۵۶.....	کلمات.....
۵۸.....	آوازه خوان.....
۶۰.....	صدایتان می‌زنم... دستان‌تان را می‌فشرم.....
۶۲.....	محمود درویش ۲۰۰۸-۱۹۴۱.....
۶۴.....	ر بیگانه.....
۶۵.....	ر و تفنگ.....
۶۷.....	انواع حقیقت.....
۶۸.....	ناممکن.....
۶۹.....	سقوط.....
۷۱.....	درباره‌ی یک شبان.....
۷۲.....	زیباترین عشق.....
۷۴.....	گریستن.....
۷۶.....	مرا حکمت یک اعدامی است.....
۷۸.....	دیدگاه.....
۷۹.....	به قدر ستاره‌ای کمتر باش.....
۸۱.....	می‌بینم آن‌چه را که می‌خواهم.....
۸۲.....	صدا و شلاق.....
۸۵.....	آوای کولی.....
۸۷.....	بشارت‌هایی از توفان.....
۸۹.....	نزار قبانی ۱۹۹۸-۱۹۲۳.....
۹۱.....	برای چه می‌نویسم.....
۹۴.....	امضاء.....
۹۵.....	شب.....
۹۶.....	سکوت.....
۹۷.....	لغت.....
۹۸.....	ماهی.....
۹۹.....	از معادلات آزادی.....
۱۰۰.....	توضیحی به خوانندگان شعرم.....

۱۰۲.....	سوراخ‌ها
۱۰۳.....	احمد مطر ۱۹۵۴.....
۱۰۵.....	خروش گل
۱۰۶.....	وظیفه‌ی قلم
۱۰۷.....	کابوس
۱۰۸.....	بدیل‌ها
۱۱۰.....	وبه‌ی دار
۱۱۲.....	نذر همد مرد
۱۱۳.....	تکفیر و انقلاب
۱۱۵.....	انهام
۱۱۶.....	شهام
۱۱۸.....	آیین پروانه
۱۱۹.....	اقتباس
۱۲۰.....	شاهد ادعا
۱۲۲.....	تا انتها
۱۲۳.....	این سرزمین از آن ماست
۱۲۵.....	عبدالعزیز صالح مقالچ - ۱۹۳۷.....
۱۲۶.....	فانحه
۱۲۸.....	داستان یک مصلوب
۱۳۰.....	چهره‌ی یک ستمگر
۱۳۳.....	امل دنقل ۱۹۸۳ - ۱۹۴۰.....
۱۳۴.....	دشمن چه کس؟
۱۳۶.....	سمیح قاسم ۲۰۱۴ - ۱۹۳۹.....
۱۳۸.....	از کجا؟
۱۴۰.....	در انتظار پرنده‌ی رعد
۱۴۱.....	تشویش
۱۴۲.....	سر بر سینه‌ی مادرش حق‌حق‌کنان گفت.....
۱۴۳.....	خاکستر
۱۴۵.....	بیت آخر قصیده
۱۴۶.....	چشم‌پوشی
۱۴۷.....	دون ژوان و کاهنه‌ی آتش

۱۴۹.....	از آن پس.....
۱۵۰.....	به نجیب محفوظ.....
۱۵۲.....	مجهول.....
۱۵۳.....	می‌روم.....
۱۵۵.....	خفاش‌ها.....
۱۵۶.....	من و تو.....
۱۵۸.....	به سوی قله.....
۱۵۹.....	بگ.....
۱۶۲.....	ایمه.....
۱۶۳.....	کارزارهای بسیار.....
۱۶۵.....	وصیت.....
۱۶۶.....	بر چشما وری.....
۱۶۸.....	خطابه در خانه بیم‌دستی.....
۱۷۲.....	آنتیگون.....
۱۷۴.....	دروازه‌ی اشک‌ها.....
۱۷۶.....	همین عصر.....
۱۷۹.....	قصه را می‌دانم.....
۱۸۰.....	غاده سمان - ۱۹۴۲.....
۱۸۲.....	واژه‌ی از یاد رفته برای چشمان تو.....
۱۸۴.....	فریاد.....
۱۸۵.....	حافظه‌ی حقیقت.....
۱۸۶.....	دریای بیروت.....
۱۸۷.....	حافظه‌ی ایدئولوژیک.....
۱۸۸.....	از دحام.....
۱۸۹.....	حافظه‌ی اسم‌های درخشان.....
۱۹۰.....	نامه‌ای از دو چشم گریان.....

یادداشت

همه می‌دانند که هنر خالص و هنر خالی در یک حکم است و طلب خلوص زیبایی، یکی از زیرکانه ترین عملیات دفاعی بورژواهای قرن گذشته بوده است که بهتر می‌پسندیدند که آنان را عامی و خال بشناسند تا سودجو و استثمارگر.

«زان پل سارتر»

هنر و ادبیات چیست؟ معیار ارزش‌گذاری آن کدام است؟ آیا شاخص ارزش‌گذاری یک اثر هنری یا ادبی را باید در شاخص اثر جست‌وجو کرد؟ اگر اینطور است؛ این شاخص بر چه پایه و مبتنی است؟ اندیشه و در چه شرایطی تعریف و تعیین می‌شود؟ واقعیت این است که حتی هم این که این پرسش‌های جدی و بنیادی از ابتدای تفکر سیستماتیک فلسفی مطرح بوده است اما هنوز پاسخ قطعی برای آن‌ها ارائه نشده است. به نظر می‌آید شیوه‌ی طرح چنین پرسش‌هایی اساساً نیازمند بازنگری است. وقتی صحبت از ارزش‌گذاری یک اثر هنری یا ادبی می‌شود غالباً توجه به سوی فرم یک اثر جلب می‌شود. در این حالت ناگزیر به دنبال یک معیار استاندارد می‌گردیم تا یک اثر را بر اساس آن مورد قضاوت قرار دهیم. در واقع در این نگرش، اثر هنری به مثابه‌ی یک شیء است که می‌خواهیم ابعاد آن را با یک

وسیله‌ی معیار، اندازه‌گیری کنیم تا تناسب آن را تعیین نماییم. در حالی که حتی اگر فرم یک اثر را ملاک ارزیابی بدانیم؛ با توجه به تنوعی که در شکل آثار هنری وجود دارد باز تعیین چنین استاندارد، تلاشی بی‌ثمر است. این استانداردها تنها به کار تجارت پر سود آثار هنری می‌آید که در آن هنر، کالایی شده همچون سایر کالاها که معامله می‌شود و معیار ارزش‌گذاری آثار نه فرم یا محتوای آثار که شاخص‌های بازار است. این البته به معنای نفی قاعده‌مندی اثر هنری و ادبی نیست. به هر حال آنچه یک اثر را واجد تریف هنر و ادبیات می‌کند، فرم آن است. از این‌رو یک اثر با هر محتوایی چنانچه خاقد فرم، یعنی قاعده‌مندی هنری و ادبی نباشد از این دسته خارج است. اما بحث بر سر برتری یک اثر بر دیگری است و آنان که معیار ارزش‌گذاری را تنها بر فرم جست‌وجو می‌کنند؛ قادر به پاسخگویی در برابر نقدها نیستند. در مقابل این دسته، عده‌ای نیز ملاک ارزش‌گذاری را محتوا می‌دانند. این گروه نیز که به فرم و عده‌ای بی‌توجه یا کم‌توجه هستند؛ نمی‌گویند که پیش از ارزش‌گذاری اثر حساسیت و اهمیت فرم را ناچیز بدانیم راه تشخیص یک اثر هنری و ادبی چیست؟ محتوا می‌تواند در قالب‌های دیگری جز هنر و ادبیات ارائه شود. در این صورت اگر محتوا ملاک قرار گیرد چطور می‌توان گفت قالبی که گرفته شده از هنر یا ادبیات یا چیز دیگری است؟ در مقابل این دو دیدگاه، نگرش دیگری هم وجود دارد مبنی بر این که در یک اثر هنری یا ادبی هر دو بخش فرم و محتوا به یک میزان واجد اهمیت هستند اما پیش از این بهتر است این پرسش مطرح شود که آیا اساساً می‌توان یک اثر را ارزش‌گذاری کرد؟ یعنی می‌توان گفت یک اثر خوب یا بد است؟ باید گفت مشروط بر اینکه طریقی اصولی برای ارزیابی پیش بگیریم، پاسخ مثبت است. اما این طریق اصولی چیست؟ نکته‌ی مهمی که باید در اینجا عنوان کرد این است که هنر و ادبیات،

پدیده‌هایی اجتماعی هستند. به عبارتی، یک اثر هنری یا ادبی، موجودیتی مستقل از انسان یا جامعه‌ی انسانی ندارد. رولان بارت با طرح نظریه‌ی «مرگ مؤلف»، معتقد بود که یک اثر هنری به محض خلق شدن، راهی مستقل از مؤلف خود، در پیش می‌گیرد. در واقع در لحظه‌ی خلق، رابطه‌ی اثر و مؤلف برای همیشه قطع می‌شود. اما این استقلال از مؤلف به معنای استقلال مطلق نیست. بلکه در همان لحظه به محض خلق و استقلال از مؤلف، از موجودیت ساقط می‌شود. از این‌رو اگر این نظریه یا دیدگاه هرمنوتیک‌های یون ریکور و گادامر را در این زمینه بپذیریم؛ نمی‌توانیم دیگر حکم به استقلال منر و ادبیات از جامعه‌ی انسانی دهیم. پذیرش هنر و ادبیات، به عنوان پدیده‌ی اجتماعی، آثاری را بر آن‌ها مترتب می‌کند. نخست این‌که منشأ تاریخی هنر و ادبیات، ضرورتاً جامعه و مناسبات اجتماعی است. یعنی ذهن، سینه، شاعر، موسیقی‌دان و... حاصل موقعیت‌های زمانی و مکانی مشخص تاریخی و اجتماعی است. به همین سیاق، اثری که از این ذهن ناشی می‌شود؛ محصول همین شرایط است. دیگر آن‌که مخاطبان آثار هنری و ادبی، بر خود محصولاتی تاریخی و اجتماعی هستند. از این‌رو پذیرش و حیات یک اثر در میان مخاطبان، منوط به سازگاری ویژگی‌های آن اثر یا ارزش‌هایی است که طرح فرآیندهای تاریخی و اجتماعی برای مخاطبان ایجاد شده است. با در نظر گرفتن این نکات باید گفت که سازگاری یک اثر با واقعیت اجتماعی می‌تواند به عنوان یکی از ملاک‌های ارزش‌گذاری به کار رود. موندریان، نقاش هلندی معتقد بود که: «اثر هنری جانشین تعادلی بوده که خلاء واقعیت فاقد آن است.» به عبارتی اثر هنری به مثابه‌ی تنظیم‌کننده‌ی رابطه‌ی فرد با واقعیت اجتماعی موجود، عمل می‌کند. به این معنا که هر چقدر جامعه‌ی انسانی دچار پیچیدگی می‌شود و به گفته‌ی دورکیم "تقسیم کار" ضروری

می‌گردد، انسان در هر مرحله‌ی تاریخی با بخشی از واقعیت بیگانه می‌شود؛ همین امر موجب می‌شود که از مرحله‌ای به بعد، این بیگانگی به مسأله‌ای اجتماعی مبدل گردد. موندریان بر آن است که هنر، کاری می‌کند که جای خود را در این فضای بیگانگی پیدا می‌کند و با کار ویژه‌ی خود، انسان را به واقعیت متصل می‌کند. اما این تنها کار ویژه‌ی هنر و ادبیات نیست. بلکه به گزته‌ی سارتر، ادبیات از جنس "عمل" است. برشت معتقد بود: «تئاتر ما دیدن خلق ادراک را پرورش دهد و مردم را برای لذت بردن از واقعیت متغیر تربیت کند. تماشاگران ما نباید فقط به شنیدن چگونگی آزادی پرومته قانع باشند بلکه باید خود را چنان تربیت کنند که از رها ساختن وی لذت ببرند.» حال با این تصدیق، اگر خود را از دام ارزش‌گذاری‌های کلکسیونرهای بازار هنر، ادبیات، و فرهنگستانی و نظریه‌پردازی‌های فیلسوف‌مآبانه‌ی انتزاعی خلاص کنیم و هنر و ادبیات را در خاستگاه و جایگاه واقعی آن یعنی جامعه و مناسبات تاریخی ببینیم؛ می‌توان در مورد یک اثر هنری و ادبی به داوری نشست. با این دیدگاه، اثر خوب، اثری است که محتوای خوب و واقعی آن فرمی مناسب به خود گرفته و نسبتی درست و واقعی با شرایط اجتماعی و تاریخی خود برقرار می‌کند. تنوع سبک‌های هنری و ادبی نیز شهادتی بر این مدعاست که مناسبات اجتماعی و تاریخی، محصول سازگار خود را تولید می‌کند و آن‌هایی که سازگاری زمانی و مکانی بیشتری با واقعیت موجود داشته‌اند؛ ماندگاری و ارزش هنری کسب کرده‌اند.

امروز پنهان شدن پشت نقاب هنر پاراناسین یا "هنر برای هنر" ترفندی برای گریز از مسئولیت‌های اجتماعی و تاریخی شده است. در حالی که هنر

پارناس* نیز در زمانه‌ی خود پاسخی بود به ابتدالی که گریبان هنر رمانتیک را گرفته و تبدیل به بازار مکاره‌ای برای کاسبکاران بورژوا شده بود. اما به مجردی که زمانه‌اش طی شد؛ ناتورالیسم و واقع‌گرایی، مرگ آن را اعلام کردند. با این حال همین سبک به تاریخ پیوسته، نقاب فریب‌کاری برای کسانی شده که هم خواهان ژست‌های هنری و ادبی هستند و هم از الزامات، مسئریته‌ها و تعهدهای هنر و ادبیات گریزان‌اند. مرور تاریخ هنر و ادبیات، زبان نویایی است برای نمایش آثار هنری و ادبی خوب یا بد. در تاریخ معاصر ایران کم‌کم به‌دست شاعران، نویسندگان و هنرمندانی که اثر یا آثاری تولید کرده‌اند، تعدادی مشخص نام‌شان و یادشان باقی مانده است و هنوز آثارشان جا دارند، شنیده می‌شود. شاملو، فروغ فرخزاد، اخوان ثالث، شفیعی کدکنی، عدلی، نایب، چوبک، مشیری و حتی سپهری از این دسته‌اند. این شاعران و نویسندگان و تعدادی دیگر از این دست، مشخصاً محصول زمانه‌ی خود بودند و بدلیل ضرورت‌های اجتماعی و تاریخی خود پاسخ مناسب دادند. هم‌زمان با این شاعران و نویسندگان، بودند عده‌ای دیگر که سرودند و نوشتند و از حمایت رسمی و جشنواره‌ای هم برخوردار بودند اما اثری از آن‌ها در حافظه‌ی جمعی جامه‌بافی مانده است. بنابراین، ارزش‌گذاری‌های رسمی و استانداردسازی‌ها، معیار رمانتیک‌داری، کیفیت و

* مکتب هنری و ادبی پاراناس حوالی نیمه‌ی قرن نوزدهم توسط تنوفیل گیمیه، شاعر «هنر برای هنر» و در برابر هنر رمانتیک پایه‌گذاری شد اما این مکتب به طور واقعی با انتشار مجموعه‌های بزرگ؛ منظومه‌های باستانی و منظومه‌های وحشی، اثر لوکنت دولیل به ظهور رسید. نویسندگان پاراناس با عصیان در برابر سادگی شعر رمانتیک‌هایی چون لامارتین و موسه معتقد بودند شاعر باید همچون یک پیکرتراش، فرم شعر را قلم‌کاری کند و آن‌را در نهایت زیبایی عرضه کند. در واقع زیبایی اثر هنری و ادبی از مهمترین اهداف نویسندگان مکتب پاراناس بود که در طراحی ایده‌آل از انطباق کامل فرم و محتوا صورت می‌پذیرفت.

مطلوبیت هنر و ادبیات نیست. کتاب حاضر، مجموعه‌ای از آثار ۱۰ شاعر برجسته‌ی عرب می‌باشد که جامعه‌ی عرب، قضاوت خود را درباره‌ی آن‌ها کرده است و در حافظه‌ی جمعی اعراب باقی مانده‌اند. شاعرانی که در طی دهه‌های گذشته نسبت به اتفاقات منطقه‌ی پرآشوب خاورمیانه و به‌ویژه مسأله‌ی فلسطین و نیز رژیم‌هایشان، حساسیت‌های مناسب بروز داده‌اند و آثارشان نشانی از پایبندی به الزامات واقعی ادبیات است. آن‌جا که پس از نخستین اعراب از اسرائیل در ژوئن ۱۹۶۷ و در بحبوحه‌ی سرخوردگی و ازجاذج خشمه ه یأس، امل دنقل سرود:

ای پیشگوی مقدس،
سوی تو آمدم
غرق در سرزنش و خون
با بالاپوش مردگان پیش می‌روم
بالای تل اجساد
با شمشیر شکسته
با پیشانی و جسمی غبار بسته
می‌پرسم ای نیلگون
از دهان یاقوت تو
از پیشگویی رسولانه‌ی مریم عذرا
از دست بریده‌ام که هنوز پرچم شکسته را گرفته...

شاعر خود را برابر این واقعیت اجتماعی و تاریخی ناظر، شاهد و مسئول می‌داند و شعرش دادخواستی است علیه این رویداد. یا آن‌جا که شاملو می‌گوید:

هرگز از مرگ نه‌راسیده‌ام
اگر چه دستان‌اش از ابتذال شکننده‌تر بود
هراس من باری همه از مردن در سرزمینی‌ست
که مزد گورکن
از آزادی آدمی
افزون‌تر باشد...

شهادتی است که پایه وضع موجود می‌دهد و واقعیت اجتماعی را برای مخاطب تشریح می‌کند. این نمونه‌ها و نمونه‌های دیگری چون تصنیف "مرغ سحر" را با کدام معیار باید ارزش‌گذاری کرد؟ فرم یا محتوا؟ آثاری که در هیچ بازاری خرید و فروش نمی‌شود و هیچ جایزه‌ای دریافت نکرده و نمی‌کنند، اما تاریخ و جادو نه‌تنها معیار اصلی ارزش‌گذاری؛ قضاوت خود را درباره‌ی آن‌ها کرده است.

«مرتضی اسدی»